

بسم الله الرحمن الرحيم

تونس: خشونت‌های خانوادگی؛ عوامل و راه‌حل‌های آن از دیدگاه اسلام

(ترجمه)



بسم الله الرحمن الرحيم، والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين و على آله و صحبه اجمعين

برای هر مسلمان این یک امر طبیعی است که همین اصطلاح "خشونت خانگی" را در خصلت خود اتخاذ نموده، البته با توجه به این که محیط خانواده باید برای تمام اعضایش، که در چنین شرایط اجتماعی زنده‌گی می‌کنند، امن باشد. از سوی دیگر، همبستگی، درک، همدردی و غمخواری متقابل رابطه را میان اعضای خانواده ایجاد می‌کند. به‌رحال، انتشار این پدیده شوم و عوامل آن در سراسر جهان، به خصوص در غرب باعث شده که در جهان اسلام نیز شیوع پیدا کند. در سال ۲۰۱۳م، سازمان صحتی جهان (WHO) تحقیق یا مطالعه‌ای را با همکاری کالج لندن در مورد حفظ‌الصحة و دوا در مناطق گرم‌سیر و مراکز تحقیقات طبی انجام داد که اطلاعات جمع‌آوری شده بر اساس یافته‌های بیشتر از ۸۰ کشور می‌باشد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که سه حصه از زنان، تقریباً ۳۰ درصد تمام نفوس زنان جهان که با جنس مخالف ارتباط دارند، در واقع قربانی سوء استفاده جنسی و فیزیکی توسط دوست‌پسر خود شده‌اند. علاوه بر این، میزان جرایم قتل در سراسر جهان در برابر زنانی که از سوی دوست‌پسرشان صورت گرفته، به ۳۸ درصد رسیده است.

در این چهارچوب، کوشش‌های کثیری مانند پروتوکول‌ها، توافق‌نامه‌های بین‌المللی، قوانین، مقرره‌های بومی، برنامه‌ریزی‌ها، کنفرانس‌ها، ورکشاپ‌ها، برنامه‌های آموزشی، برنامه‌های حساس‌برانگیز و نشست‌های متعددی تحت نظر وزرای دولت، نهادهای دولتی، نهادهای غیردولتی، نهادهای قانونی، نهادهای حقوق زن و دیگر نهادهای گوناگون به هدف از بین بردن این پدیده، "خشونت خانوادگی" و یا حداقل تحت کنترل قرار دادن آن، صورت گرفته است. سازمان ملل نیز به یک سلسله اصول و قواعد آزاد تکیه زد که در اصول خود لایحه بین‌المللی را از قبیل اعلامیه جهانی حقوق بشر، تعهد جهانی برای مردم عام، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی،

حقوق فرهنگی، توافقنامه حقوق طفل و توافقنامه‌ها برای ازمیان برداشتن هرگونه جنایت در برابر زنان به منظور این که اعلانات و آگاهی‌نامه‌ها و تصامیمی را که از کمیته‌های متعدد سرچشمه گرفته پخش کند تا توصیه‌هایش را در جهان اسلام اجباری نماید، پذیرفت.

مجمع عمومی سازمان ملل بطور بسیار مکارانه "خشونت خانگی" را مستقیماً به خاطر هدف قرار دادن زنان ایجاد می‌کنند. بناءً بالای کشورها فشار وارد می‌کنند تا بخاطر از بین بردن این پدیده از امکانات دست‌داشته‌ی خود استفاده نمایند و محققین را حمایت می‌کند، اطلاعات را جمع‌آوری می‌کند، بخش‌بندی احصایوی مربوط به گسترش اشکال مختلف خشونت علیه زنان، به خصوص آنانی را که به خشونت خانگی ارتباط دارند، شکل داده و در نهایت محققین را تشویق می‌کند تا در مورد عوامل و اسباب این خشونت‌ها و طبیعت آن، خطرات، عکس‌العمل‌های آن و این که چگونگی راهکاری در پیش گرفته شود تا به این پدیده توقف داده شود و آنانی که در قید آن به سر می‌برند، نجات یابند، دست به کار شوند.

این حقیقتی است که خشونت دقیقاً در اکثریت کشورهای اسلامی اتفاق می‌افتد؛ جایی که تلاش برای انجام مطالعات بخاطر دریافت علت‌های خشونت علیه زنان صورت می‌گیرد؛ از جمله خشونت خانوادگی و شریک ساختن همین یافته‌های مطالعات در مطبوعات و رسانه‌ها به منظور این که راه را برای قوانین و مقررات یکنواخت همراه با استندرها و نیازمندی‌های بین‌المللی هموار کنند.

به عنوان مثال، در کشور تونس، گاهنامه‌ی در مورد وضعیت شخصی در سال ۱۹۵۶م به نشر رسید که بعضی قوانین مربوط به امور خانواده را نیز دربر داشت و بسیاری مردم گمان می‌کردند که این یک پیروزی برای زنانی محسوب می‌شود که وضعیت خود را ترقی داده و خود را در میان دیگر زنان در جهان عرب الگو و درخشان ساخته‌اند. این گاهنامه در سال ۱۹۹۳م به هدف تغییر مطالب فصل ۲۳ تغییر داده شد که در آن نوشته شده بود: «بالای زن واجب است تا از شوهرش اطاعت نموده و به فرمان او تسلیم باشد؛ طوری که هر یک از زن و شوهر باید با همدیگر به خوبی رفتار کنند، در رفتار و معامله باهم نجیب باشند و از اعمال هرگونه صدمه بالای همدیگر اجتناب ورزند.»

برای اولین بار در سال ۲۰۰۶م، تجلیل از روز جهانی محو خشونت علیه زن آغاز شد که تا اکنون ادامه دارد. بعداً در سال ۲۰۰۷م، استراتژی ملی برای مقابله با رویه خشونت‌آمیز در میان جامعه و خانواده اعلام شد و پالیسی‌اش تحت نظارت وزارت امور زنان و خانواده با اشتراکات کثیر عامه، نهادها و موسسات رسانه‌ای تطبیق می‌شد. حال آن‌که اولین سرشماری با استفاده از فهرست ملی اتباع جامعه برای خانواده و رشد بشر، که یک نهاد دریافت وراثت تحت وزارت صحت می‌باشد، با برنامه همکاری‌ها میان فهرست ملی و نماینده اسپانیایی‌ها برای همکاری بین‌المللی و توسعه در سال ۲۰۱۰م با توجه به مسئله خشونت علیه زنان انجام شد. در این سرشماری توسط نمونه‌گیری با حضورداشت ۳۸۷۳ زن تونسی در سنین بین ۱۸ الی ۶۴ سالگی نشان می‌دهد که محیط خانواده یگانه محلی است که زنان در معرض هرگونه سوء استفاده قرار می‌گیرند. ۴۷,۲ درصد قضایای سوء استفاده فیزیکی از سوی شریک زنده‌گی زن (شوهر، نامزد و یا دوست پسرش) تحمیل می‌گردد. ۶۸,۵ درصد را سوء استفاده روانی تشکیل می‌دهد. سوء استفاده جنسی تقریباً ۷۸,۲ درصد قضایا را تشکیل می‌دهد و ۷۷,۹ درصدش نیز سوء استفاده اقتصادی را دربر می‌گیرد. قانون‌دانان، کارشناسان و

متخصصان مشخص ساختند که دلیل شکست در واقع ناکامی قانون در حل این پدیده سوءاستفاده در تونس است. بناءً قانونی سری کار آمد و در ارتباط با محو سوءاستفاده علیه زنان در ۲۶ جولای ۲۰۱۷م به تصویب رسید و این قانون از ۱۵ فبروری ۲۰۱۸م بدین سو، بعد از فشار شدیدی از سوی نهادهای جامعه مدنی و نهادهای فمینیستی تحت بهانه‌ی محافظت از قربانیان سوءاستفاده و به خصوص خشونت خانگی را تضمین می‌کند، روی کار آمد. برخی افراد فکر کردند که این قانون یک انقلاب حقوقی خواهد بود؛ زیرا آن‌ها احتمالاً به این نتیجه رسیدند که قانون مذکور قادر به انجام حل چند موضوع خواهد شد: نخست محافظت از سوءاستفاده؛ دوم محافظت از قربانیان زن؛ سوم محو سوءاستفاده؛ چهارم از عموم زنانی که تحت قربانی این سوء استفاده قرار گرفته اند، محافظت خواهد کرد.

در مصر، اگرچه تضمین قانون اساسی تحت ماده ۱۱ قانون اساسی مصر بخاطر محافظت زنان از همه انواع سوءاستفاده از سوی دولت وجود دارد، ولی با آن هم تحقیقات به دست آمده از مرکز تحقیقاتی منطقه نشان داد که خشونت خانگی در جامعه مصر، چه علیه همسر و دختر، خط مقدم سوءاستفاده را شکل می‌دهد. نتایج سرشماری هزینه اقتصادی سوءاستفاده علیه زنان، که توسط آژانس مرکزی برای بسیج و احصایه آمار نشان داده شده است، نشان می‌دهد که فیصدی سوءاستفاده زن توسط شوهر بی سابقه است که در آن حدود ۴۶ درصد زنان در مصر (بین سن ۱۷ الی ۶۴ ساله) شامل کسانی بود که ازدواج کرده بودند و انواع سوء استفاده‌های دیگر نیز از جانب شوهر دیده اند که شامل سوءاستفاده روانی، جسمی و جنسی می‌باشد.

در ترکیه، بر اساس نظرسنجی، که توسط یک دانشگاه معتبر ترکیه در سال ۲۰۰۹م انجام شده است، در حدود ۴۲ درصد از زنان بین سن ۱۵ و ۴۷ سال در مناطق روستایی از سوءاستفاده جسمی و جنسی از سوی شوهر یا شریک زندگی‌شان در برخی از موارد زنده‌گی‌شان رنج می‌برند. این در حالی است که ترکیه با ارائه قانون (شماره ۴۳۲۰) حفاظت از خانواده در سال ۱۹۹۷م، که در سال ۲۰۰۷م ویرایش گردید، با ارائه روش‌های مدنی برای حفاظت از خشونت‌های خانوادگی در صدر فهرست کشورها قرار دارد. این قانون یک روشی از حفاظت را فراهم می‌کند که در آن قربانیان سوءاستفاده از دست هر یک از اعضای خانواده خود تا زمانی که در تحت یک سقف زنده‌گی می‌کنند، چه مرد و چه زن، به طور مستقیم و یا از طریق یک نماینده عمومی به خاطر جلب در محکمه خانواده‌گی، احظار می‌شوند. قانون مذکور، در قوانین شهرداری نیز گنجانیده شده است که هدف از آن حمایت شهردار با سرمایه ۵۰ هزار نفری بخاطر ایجاد پناهگاه برای زنان و کودکان برای مبارزه علیه خشونت خانگی می‌باشد.

این درصد فقط نشان دهنده شکست سپرهای قانونی در کشورهای مختلف اسلامی بخاطر حل علت واقعی است که منجر به خشونت خانگی و ارائه روش‌های صحیح برای جلوگیری از گسترش این پدیده می‌شود. این به دلیل سردرگمی تعریف خشونت خانگی است که از معنای لغوی آن تجاوز کرد که باعث آسیب به فرزندان، همسران، سالمندان یا هر یک از اعضای خانواده که در همان خانه ساکن اند، شده و در اصل مربوط به سوءاستفاده بر اساس تبعیض؛ به این معناست که در اصل به عنوان عدم برابری بین دو جنس با توجه به رویکرد انسانی در نظر گرفته شد.

بنابر این، حکم شریعت اسلامی در خصوص نظام اجتماعی از آنجا که قوانین شریعت علیه مفاهیم سیکولری و لیبرالی به خصوص مفهوم آزادی و برابری تاخت، طبقه بندی گردیده و تحت کنگوری خشونت خانگی قرار گرفت. این از نتیجه قوانین شریعت اسلامی است که با در نظر داشت آن، طبق دیدگاه مؤسسات حقوقی و سازمان‌های قانونی و بین‌المللی، اولویت مرد، اقتدار او و تصمیم واحدش در مدیریت خانواده یک اصل است. در عین حال، زن برای این که از حقوقش مستفید شود، نادیده گرفته می‌شود؛ زیرا این سازمان‌ها معتقد اند که زن نیز مسئولیت‌های مشابهی مرد را دارا می‌باشد. به همین ترتیب، این سازمان‌ها به تبلیغات می‌پردازند که اسلام در مسئله میراث بر یک فضای پدرسالارانه مجاز داده است که منجر به حاشیه کشاندن، اهانت و سرزنش زن از دید مالی می‌شود. آن‌ها این مسئله را با مثالی از اقتدار مرد در ارتباط با زن و تعهد مالی با او و این که با مرد به طور یکسان میراث به ارث نمی‌برد، تأیید می‌کنند و از لحاظ اخلاقی، این که حکم چند همسری یا طلاق، یا از لحاظ جنسی، وادار کردن زن به روابط نامشروع بدون میل خودش و یا ازدواج‌های نا به هنگام (ازدواج در خورد سالگی) همه و همه به دست مرد صورت می‌گیرد.

لذا این همه گوشه‌ای از اتهامات نامناسب و جاهلانه‌ای است، به هدف زیر سوال بردن قوانین ناب اسلامی و اغفال اساساتی که بر اساس این قوانین استوار اند، به کار برده می‌شود. به همین دلیل است که اصلاحیه چهارم اعلامیه محو سوءاستفاده علیه زنان در دسامبر ۱۹۹۳ م عملاً به مردم صدا زد که تبعیض علیه زنان علیه جرم پنداشته می‌شود و اجازه نمی‌دهد که کشورها از طریق هر سفارشی یا سنت یا آیین‌های مذهبی توجیه کنند تا از تعهد خود برای ریشه‌کن کردن آن شانه خالی کنند و این امر مستقیماً اجازه می‌دهد که ارزش‌های اسلامی و حقوق زن از دیدگاه اسلام در جامعه پایمال شود.

فلهذا ما نباید نقش و نگار مکارانه فمینیسم و روشنفکران سیکولری را در این امر فراموش کنیم که فکر می‌کنند سوءاستفاده علیه زنان در نتیجه تبعیض بوده و عدم قدرت زن و کنترل خانواده از سوی زن با مداخله فرهنگ و مذهب عاملش می‌باشد. مهم‌تر این که آداب و رسوم زن را وادار می‌کند تا در زنده گی هیچ گونه انتخابی نداشته باشد که باعث محدود شدن فرصت‌ها برایش گردد. آن‌ها تصویری را نشان می‌دهند که اطاعت از شوهرش ضعف و شکست است و از آنجایی که مرد سرپرست خانواده است، او را از تصمیم‌گیری حذف می‌کند. هم‌چنین، آن‌ها برخی از قوانین اسلامی را که به ندرت در بعضی حالات تنبیه نمودن زن را مجاز داده است؛ در موارد مختلف در جامعه به شکل منفی آن به تصویر می‌کشند؛ مثلاً انحراف و سرکشی زن.

﴿وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُورَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ ۗ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا

كَبِيرًا ﴿

[نساء: ۳۴]

ترجمه: و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفت‌شان بیم دارید، پند و اندرز دهید (و اگر مؤثر واقع نشد) در بستر از آن‌ها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آن‌ها به انجام وظایفشان نبود) آن‌ها را تنبیه کنید و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آن‌ها نجوید (بدانید) الله (سبحانه و تعالی) بلندمرتبه و بزرگ است (و قدرت او، بالاترین قدرت‌هاست).

جلوگیری از فحشاء، سقط جنین، ازدواج با غیرمسلمان، سفر با نامحرم، پافشاری به پرداخت مهریه خود را ملزم به پوشیدن لباس شرعی دانستن، بازداشتن زن از به نمایش گذاشتن زیبایی اش به مرد نامحرم، بازداشتن زن از آمیختن با مردان بدون ضرورت طوری که در شریعت بیان شده است. اجازه خواستن از شوهر جهت خارج شدن از منزل، اطاعت از اوامر شوهر، حق دادن به پدر به خاطر نام گذاری نوزاد و پذیرفتن این که شهادت یک مرد برابر است با شهادت دو زن و هم چنان قوانین دیگری نیز وجود دارد که ادعا می کنند مردان به مثابه مانعی در برابر نقش زنان در فامیل و جامعه قرار دارند که این قوانین نوعی از بدرفتاری در برابر زنان بوده و از سوی دیگر، به عنوان یک سلسله مراتب در خصوص قدرت میان زن و مرد جای گزین شده است.

روی این ملحوظ، آن ها به این باور اند که لازم است تمام این مفاهیم با آنچه که آن ها از مساوات، آزادی و توانمندسازی زنان به منظور از میان برداشتن فاصله بین جنس های مخالف تعریف دارند، جایگزین شود. این در حالی است که هرگاه کسی متون شریعت اسلامی را مورد غور و بررسی قرار دهد، به وضوح در می یابد که اسلام مرد و زن را از لحاظ این که یکی بر دیگری برتری داشته باشد، نمی بیند. اسلام هرگز یکی از این دو را بر دیگری ترجیح نداده است و نه هم به یکی از آن ها ستم کرده است تا بر دیگری عدالت کرده باشد. به همین ترتیب، اسلام هرگز معیار تبعیض و یا مساوات بین این دو را مطرح نکرده است؛ بلکه اصول و قواعد منظم و منصفانه ای را در خصوص نقش و تنوع این دو در نظر گرفته است که سازگار با فطرت، ویژگی ها و طبیعت آن ها می باشد.

بنابر این، بر تمام مسلمانان واجب است تا به تمام این اتهامات و ادعاهای جاهلانه پشت گردانیده و از رگ رگ وجودشان این مفاهیم غلط را پاک نمایند؛ زیرا تمام این ادعاهای غلط و بی اساس بهانه های خطرناکی اند که به هدف اغفال مسلمین که گویا این همه خشونت های درون فAMILI در حال رشد ناشی از قوانین شریعت اسلامی اند، به پیش برده می شود تا باشد که مسلمانان را از عقیده اسلامی شان به دور ساخته و بر آن ها افکار غربی را که ایدیولوژی سرمایه داری از آن به وجود آمده است، تطبیق نمایند.

از این رو، بهترین گزینه برای کسانی که می خواهند راه حل های درست در خصوص مشاکل خشونت های خانوادگی ارائه دهند، این است که بازنگری و بازبینی دیدگاه های روشنگرانه خود را از طریق تحقیقات جامع و کامل در عوامل ریشه ای این مشکلات و راه حل آن از خود به جای بگذارند. اینک به برخی از نکات در ذیل اشاره می کنیم:

- کناره گیری از ارزش های آزادی لیبرالی و مفاهیم غیراسلامی ناشی از ذهن ناقص بشر که روابط میان مرد و زن را حسب هوای نفس تنظیم نموده و مفاهیم درست و نابی که توسط خالق تنظیم شده است کنار می گذارد؛ و این چیزی است که سرشت آدمی را در خانواده تغییر داده خودخواهی را در انسان ایجاد می کند و انسان ها را بر سری منافع خود دشمن یکدیگر می سازد که در نتیجه منجر به پارچه پارچه ساختن خانواده، ایجاد دشمنی و شکاف در روابط میان اعضای خانواده می گردد. در کنار این، این آزادی ها به بزرگترین سهم سرگرمی و لذت شخصی تبلیغ می کند؛ حتی اگر این کار به نوشیدن مشروبات الکولی و سوء استفاده از مواد مخدر منتهی شود. خیلی واضح است که تأثیر این فلاکت تنها به فرد معتاد خلاصه نمی شود؛ بلکه از طریق این حالت و وضعیت غیر ثابت و ناتوانی را که در کنترل رفتار خود دارد، به افرادی که نزدیک به او هستند، آسیب می رساند. علاوه بر این، اجازه دادن به این آزادی های وحشی مانند عدم

اعتماد بین زن و شوهر، حسادت غیرقابل کنترل و فضای واکنشی (برقی) را ایجاد می‌کند که در نتیجه منجر به خشونت‌های زبانی به عنوان یک عکس‌العمل می‌گردد.

- نادیده گرفتن ارزش زن و تنزل مقام او در جامعه از طریق به نمایش گذاشتن تصاویر برهنه و نیمه برهنه در پوسترها به عنوان اعلانات تجارتي به منظور جلب مشتریان و به نمایش گذاشتن قسمتی از بدن آن به روی پاکت محصولات تجارتي به هدف کسب درآمد، بهره‌برداری از جنسیت او در فروشگاه‌ها، باشگاه‌ها، قهوه‌خانه... چیزی است که این دیدگاه تجاری طماع به بهانه این‌که او را به استقلالیت اقتصادی می‌رساند، چنان فشاری بر او وارد کرده است که با محروم شدن از ارزش انسانی‌اش به سادگی مورد سوء استفاده قرار گرفته است؛ به حدی که تشویق می‌شود تا دست به فحشا و اعمال نامشروع بزند. در کنار این همه شیوه‌ها و آداب و رسوم مزخرف و فاسد و سنت‌های موروثی غلط که هیچ‌گونه ارتباطی با اسلام ندارد، در برخی مناطق زنان از ساده‌ترین حقوق خود به عنوان تحصیل محروم می‌شوند، حق نظر ندارند و یا هم رضایت‌شان در خصوص ازدواج نادیده گرفته می‌شود یا این‌که از میراث محروم می‌گردند و غیره از این قبیل رفتارهای دیگر که اقتدار مرد در رهبری خانواده را به نمایش می‌گذارد؛ طوری که هرکاری را که دلش بخواهد، انجام می‌دهد، خواه به انجام آن اجازه داشته باشد و یا این‌که حق انجام آن را نداشته باشد. بناءً تمام این‌ها مواردی اند که از طرف مرد بر بالای زن تحمیل می‌گردد تا در مقابل آن سرخم نموده و از تمام آن مطیعانه اطاعت نماید، از این‌رو، مرد با استفاده از موارد فوق یک فضای مملو از سوء استفاده را ایجاد می‌کند و هرطوری که دلش بخواهد در مقابل زن انجام می‌دهد.

- نبود یک فکره درست در خصوص پیش‌برد حقوق و مسئولیت‌هایی که هریک از زن و شوهر باید آن را رعایت کنند، نبود یک نظام سازمان‌یافته مبنی بر تقسیم مسئولیت‌های که هریک از زن و شوهر مکلف به انجام آن استند و درهم‌پیچیدگی مسئولیت‌ها هرکدام فضای مملو از فشار و درگیری را ایجاد می‌کند. نبود راه‌حل‌های مناسب پیرامون ایجاد تعادل در خانواده، قطعاً که منجر به مشاجره‌های متداوم در خانواده می‌گردد.

این از فضل پروردگار بالای بشریت است که او سبحانه و تعالی اساسات و محدودیت‌های را برای روابط خانوادگی وضع کرده است که به عنوان روش‌های پیش‌گیرانه در جهت تقویت روابط خانواده در مقابل خشونت‌های خانوادگی نقش اساسی را بازی می‌کند و این چیزی است که اسلام به منظور ایجاد یک محیط خانوادگی امن به انجام آن هدایت داده است.

- ایجاد تقوی در روح و روان مردم؛ پس هرکی به آن چنگ زند، وجیبه‌اش را که بر وی فرض گردانیده شده است، درک خواهد کرد و از پروردگارش در آشکار و نهان پروا خواهد کرد. رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرْعِيهِ اللَّهُ رَعِيَّةً، يَمُوتُ يَوْمَ يَمُوتُ وَهُوَ غَاشٌّ لِرَعِيَّتِهِ، إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ»

(رواه مسلم)

ترجمه: بنده‌ای که الله (سبحانه و تعالی) او را بر رعیتی گماشته و در حالی که نسبت به رعیتش غش و خیانت کرده است، می‌میرد،

الله (سبحانه و تعالی) بهشت را بر او حرام گردانیده است.

این حدیث شریف دال بر این است: هر حاکمی که مسئولیتی را بر عهده دارد و هر مردی که مسئول خانواده اش می باشد و خود را در برابر تأمین حقوق افراد خانواده اش مکلف می داند، باید آن چه را که برای خانواده لازم می داند، فراهم کند و با خانم و فرزندان به نیکویی رفتار کند. با این حال، زن در امور داخلی منزل و کسانی که با او زندگی می کنند، نیز مسئول است. روی این ملحوظ، تقوی بهترین تنظیم کننده برای فضای تمایلات، خیالات و آرزوهای است که این روابط به وسیله آن به پیش می رود. بناءً این تقوی است که به وسیله آن شخص درک می کند که یکی از مخلوقات خالقش بوده و بنده او می باشد، با تخطی از او امر پروردگارش مجازات خواهد شد و با انجام اعمال شایسته در مسیر اطاعت از پروردگارش پاداش داده خواهد شد.

تغییر دیدگاه زن را از منظر اسلامی در نظر گرفتن جایگاه ویژه و موقف درست و مناسب بر کسانی که الله سبحانه و تعالی و رسول الله ﷺ آن را جای گاه خاصی داده است. روی این ملحوظ، رسول الله ﷺ رفتار درست با همسر، فرزندان، اعضای خانواده و اقارب را از بهترین اعمال عنوان نموده و کسانی که به انجام این اعمال مبادرت می ورزند را از بهترین مردم خوانده است. طوری که می فرماید:

«خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ، وَأَنَا مِنْ خَيْرِكُمْ لِأَهْلِي»

(رواه ترمذی و ابن ماجه)

ترجمه: بهترین شما کسی است که با خانواده اش بهترین برخورد را دارد و من بهترین شما در امور خانواده ام هستم.

اسلام مراقبت از زن را از زمان تولدش در اولویت قرار داده است؛ طوری که تربیت و پرورش آن را وسیله جنت رفتن برای والدینش قرار داده است. عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما می فرماید که رسول الله ﷺ فرمودند:

«مَنْ وُلِدَتْ لَهُ ابْنَةٌ فَلَمْ يَبْتَدِهَا وَلَمْ يُهَيِّئْهَا، وَلَمْ يُؤْتِرْ وَلَدَهُ عَلَيْهَا - يَعْنِي الذَّكَرَ - أَدْخَلَهُ اللَّهُ بِهَا الْجَنَّةَ»

(رواه احمد، تصحیح حاکم)

ترجمه: کسی که صاحب دختری می شود و آن را زنده دفن نمی کند و بر او اهانت روا نمی دارد و پسرش را بر او ترجیح نمی دهد، الله (سبحانه و تعالی) وی را داخل جنت می کند.

پس، مادامی که بزرگ می شود، تحت محافظت و مراقبت محافظش (پدر) قرار می گیرد و این پدر در واقع از بزرگ ترین محافظ او به شمار می رود و او را از هرگونه آسیبی محافظت می کند. هنگامی که ازدواج می کند، مورد احترام قرار گرفته، عزیز می شود و بر شوهرش لازم می گردد تا با او به نیکویی رفتار کند و با او مهربان باشد. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾

[نساء: 19]

ترجمه: و با آنان به طور شایسته رفتار کنید.

رسول الله ﷺ تمام خوبی ها (رفتارهای نیکو) را در حق آنان بیان کرده است؛ طوری که می فرماید:

«اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا»

(رواه ابن ماجه)

ترجمه: با زنان به نیکویی رفتار کنید!

همچنان رسول گرامی ﷺ بر شوهران دستور داده است تا نباید در مقابل همسران شان به زشتی رفتار کنند، اشتباهات و کمبودی های شان را نادیده بگیرند و از فضایل و پاکدامنی آنها تقدیر نمایند تا زندگی شان به وجه پسندیده به پیش برود:

«لَا يُمْرُكُ مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا رَضِيَ مِنْهَا آخَرَ»

(رواه مسلم)

ترجمه: هیچ مرد مؤمنی با زن مؤمنی بغض نوزد؛ زیرا اگر یک خصلتش او را ناخوشایند سازد، خصلت دیگرش او را خوشنود می گرداند.

علاوه بر این، پروردگار کائنات مردان را از لت و کوب بی مورد زنان نهی کرده است؛ زیرا به عوض این که در رفتارش در زندگی زناشوی تغییراتی فراهم کند، منجر به واکنش متقابل می گردد. چنانچه که رسول الله ﷺ می فرماید:

«لَا يَجْلِدُ أَحَدُكُمْ امْرَأَتَهُ جَلْدَ الْعَبْدِ ثُمَّ يَجَامِعُهَا فِي آخِرِ الْيَوْمِ»

(رواه بخاری)

ترجمه: هیچ یک از شما زن خود را مانند برده نزند، چه بسا در پایان روز با او هم بستر می شود.

مادامی که مادر است، اطاعت از وی پس از اطاعت از الله سبحانه و تعالی واجب می گردد و عدم قدردانی و اطاعت از وی و بد رفتاری در برابرش پس از شرک آوردن به الله سبحانه و تعالی از گناهان کبیره محسوب می گردد. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَيَالِئِ الدِّينِ إِحْسَانًا ۖ إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾

[اسراء: ۲۳]

ترجمه: و پروردگارت فرمان داده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکویی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار و بر آنها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو!

پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ بر ما توصیه کرده است تا با والدین خود به مهربانی رفتار کنیم. او ﷺ می فرماید: مادرتان... مادرتان... سپس پدرتان تا باشد که آنها را احترام نماییم و حقوق شان را اداء کنیم.

- سوء استفاده جنسی و تبلیغاتی از زنان و مبارزه با این دیدگاه که زنان به عنوان یک جنس پست و یک کالای تجارتي محض هستند و در نظر گرفتن او به عنوان یک امتعه زیبایی و لذت ممنوع می باشد؛ بلکه باید از هرگونه تحقیر و اهانت حفاظت شود. بناءً لازم است تا زنان را وادار به پوشیدن لباس اسلامی نموده و از پوشیدن هرگونه وسایل زینتی در مقابل مردان نامحرم باز داشته شوند.

- سازماندهی روابط میان زن و مرد، ممنوعیت از نشست های پنهانی، بازداشتن آنان از آمیزش آزادانه با مردان اجنبی، مطمئن بودن از این که هیچ گونه فضای خاصی وجود ندارد که منجر به روابط نامشروع و یا هم رفتاره ای مشکوک که سبب



تحریک حسادت، ایجاد شک و تردید، خدشه‌دار کردن فضای اعتماد و روی آوردن به سوء استفاده جنسی شود. علی‌الرغم این، اسلام به مردان و زنان مؤمن واجب گردانیده تا چشمان‌شان را از نگاه کردن به نامحرمان بازداشته و پاکدامنی اختیار نمایند تا باشد که این دو بنیاد محکمی از یک رابطه سالم انسانی را بر مبنای احترام متقابل و یک زندگی مشترک را در میان خود تشکیل دهند.

- مدیریت خانواده یگانه راهی است که از سازماندهی نقش‌ها در خانواده نشئت می‌کند و مسئولیت‌ها را به وجه احسن بر هرکدام از اعضای خانواده حسب توانائی و ظرفیت آنان تقسیم می‌کند؛ این امر به اختلاف و درگیری در فامیل پایان می‌دهد. بنابر این، لازم است تا سطح آگاهی آنانی که مسئولیتی را به پیش می‌برند، بالا برده شود، حجم مسئولیت سپرده‌شده بر آنان در نظر گرفته شود و جهت گرفتن نظریات آنان اتاقی برای گفتگو برای‌شان در نظر گرفته شود. این امر موجب محدود شدن احتمال اختلاف و درگیری در خانواده می‌گردد.

- ایجاد مثلث زندگی زناشویی: آرامش، مؤدت و رحمت. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾

[روم: ۲۱]

ترجمه: و از نشانه‌های او اینست که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان‌تان مودت و

رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!

زن تکیه‌گاه مرد است که در کنار آن راحت می‌باشد و با او احساس امنیت می‌کند؛ به همین ترتیب، مرد در کنار زن راحت بوده و احساس آرامش می‌کند. پس اگر شوهر او را دوست بدارد، بی‌گمان او نیز با بهترین وجه با شوهرش رفتار می‌کند و اگر کدورتی در دل می‌داشته باشد، باید با او به نیکی رفتار کند؛ نه این‌که بر او ستم روا بدارد و او را مورد لت و کوب قرار دهد. هم‌چنان این نیز مهم است که ما باید از این مفهوم که اقتدار با مردان است، حمایت کنیم، زیرا این نعمتی از جانب پروردگار متعال به ویژه برای زنان و در مجموع برای خانواده است. از طریق همین اقتدار مرد مکلف بر انجام دو مسئولیت خطیر است: نخست، حفظ و مراقبت خانواده به بهترین شکل از قبیل خرج و مصرف؛ مدیریت خانواده و حمایت از آن و ثانیاً ارائه خدمات ایمنی برای اعضای خانواده و متوقف ساختن هرگونه آسیبی که قرار است به خانواده اصابت کند؛ به گونه‌ای که مرد مکلف است تا در مقابل تمام خطرات حتی به قیمت جان خود ایستادگی نماید: رسول الله می‌فرماید:

«وَمَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ»

(رواه ترمذی)

ترجمه: کسی که در راه دفاع از خانواده‌اش کشته می‌شود، شهید است.

اسلام طلاق را که از مبغوض‌ترین حلال محسوب می‌شود، مجاز داده است تا هرازگاهی که تنش‌ها و اختلافات میان زوجین اتفاق می‌افتد، به معضلات خانواده‌گی نقطه پایان گذاشته و احسن‌ترین راهی برای جدایی میان دو زوج باشد. حکم طلاق مستلزم رهایی

همسر با بهترین راه ممکن بدون هیچ‌گونه خشونت و سوءاستفاده می‌باشد و این زمانی صورت می‌گیرد که تمام روش‌های مصالحه میان‌شان به ناکامی منجر شده و هیچ‌گونه فرصتی برای زندگی کردن در زیر یک سقف نداشته باشند.

در فرجام باید گفت که خالق کائنات نسبت به آنچه که خلق کرده است (انسان) آگاه است و او تعالی می‌داند که چه چیز برای خلق‌اش بهتر است. از این‌رو، قوانینی برای آن فرو فرستاده است و هر آن چیزی که از این احکام و قوانین الهی نشئت می‌کند، جز رحمت برای بشریت نیست و همین احکام الهی اند که خانوادهٔ مسلمان را حفظ نموده و به راه راست هدایت می‌کند. با این‌حال، هرگاه ما از این قوانین بنیادی پا فراتر گذاریم، منجر به انفصال و بدبختی اعضای خانواده میان مرد، زن و کودکان خواهد شد؛ دایرهٔ رهبری خانواده از کار می‌افتد که باعث گسترش و تشدید خشونت خانگی شده و امکانات زندگی را که هر یک از اعضای خانواده نیازمند آن می‌باشند، فلج می‌سازد؛ به عنوان مثال: کم‌بود امنیت و اختلالات ذهنی را به بار می‌آورد که این امر باعث فروپاشی و پراکنده‌گی خانواده می‌گردد.

﴿فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ﴾

[طه: ۱۲۳]

ترجمه: پس هرگاه هدایت من به سراغ شما آید، هرکس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می‌شود و نه هم در رنج خواهد بود!

نویسنده: هاجر یعقوبی

عضو دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر